

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پنجاه و هشت سال نبرد حزب کارگران و زحمتکشان در راه استقلال میهن، آزادی و عدالت اجتماعی برای توده ها

نگاهی هرچند گذرا به تاریخ پنجاه و هشت سال اخیر میهن ما نشان می دهد که حزب توده ایران، همچنان که شایسته حزب طبقه کارگر و زحمتکشان است، در مهم ترین عرصه های پیکار اجتماعی - اقتصادی در جامعه ما پیشرو بوده است، و با طرح نظرات و برنامه انقلابی خود تحولات مهمی را در میهن ما باعث شده است. حزب توده ایران، نخستین سازمان سیاسی کشور بود که بیش از پنج دهه پیش ضرورت به رسمیت شناختن و حمایت از حقوق کارگران و زحمتکشان را در جامعه طرح کرد و خواهان تصویب «قانون کار» شد. حزب توده ایران، نخستین حزب سیاسی کشور بود که در مبارزه با واپس گرایی و ارتجاع و در دفاع از حقوق زنان میهن ما به صحنه پیکار آمد، خواهان به رسمیت شناختن حقوق زنان، از جمله حق رأی و حق انتخاب شدن

با فرا رسیدن دهم مهرماه، پنجاه و هشت سال از تأسیس حزب توده ایران می گذرد. تاریخ پرفراز و نشیب مبارزات رهایی بخش میهن ما پیوندی ناگسستی با مبارزات حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان دارد. پنجاه و هشت سال پیش، در دهم مهرماه ۱۳۲۰، حزب توده ایران، در پی سقوط حکومت فاسد و وابسته رضا شاه، و به همت زندانیان سیاسی آزاد شده تأسیس شد و در طول نزدیک به شش دهه پیکار خستگی ناپذیر نقشی برجسته و مهم در رویدادهای میهن ما بازی کرد. تأثیر، اهمیت و اعتبار حزب توده ایران در تاریخ معاصر ایران آن چنان است که حتی دشمنان حزب نتوانسته اند آن را انکار کنند و با همه این واقعیت سرسخت مخالفان طبقاتی حزب در طول تمامی این شش دهه کوشیده اند تا با دروغ پردازی و تحریف، محتوی سراسر پیکار، قهرمانی و تلاش بی دریغ توده ای ها را واژگونه جلوه دهند.

ادامه در صفحه ۳

دیداری دوباره با شهدای حزب و جنبش

«از تمام بذرهایی که بر زمین افشانده می شود خون قربانیان ستم است که غنی ترین محصول را بیار می آورد.» بالزاک

کام خطر گذاشتند، در سیمای کربه مرگ، نفرت و سرکوب انسان و انسانیت خیره شدند و ندای آزادی، برابری را سردادند. و در این شش دهه پیکار خونتین و اسطوره ای هزاران قهرمان با نام و بی نام صفحات درخشانی از تاریخ مبارزات رهایی بخش میهن ما را با خون خود نوشتند و بذرهایی بر کوریر استبداد زده میهن کاشتند که بی شک در آینده ای نه چندان دور به ثمر خواهد نشست.

در این شش دهه می توان از ده ها هزار مبارز

در صفحه ۲

در این شماره

در سوگ رفیق جواهری در صفحه ۲

«نامه مردم» در جشن «اومانیته»

در صفحه ۵

وزارت اطلاعات و گروه های فشار

در صفحه ۶

نگاهی به بحران داغستان در صفحه ۸

رفیق شهید حجت الله قریشی، که در دوران رژیم ستم شاهی، بارها به زندان و شکنجه گاه های ساواک کشانده شد و از جمله پارتیزان های توده ای شرکت کننده در قیام مسلحانه ۲۱ و ۲۲ بهمن بود و سرانجام در روز هفتم اسفند به شهادت رسید، همیشه می گفت: «با حزب توده ایران تاریخ و سرگذشت شگرفی همدوش است. چیزی مرموز و پرجاذبه، چیزی به تبرک روزه و سیامک و وارطان در سطر سطر تاریخ این حزب موج می زند، چیزی شبیه موج و طوفان». و امروز سخن ما در بزرگداشت کسانی است که آگاهانه و بدون هیچ چشم داشتی قلوب خود را به دست طوفان سپردند. و تجلیل ما نه از نیستی و نابودی یک مبارز بلکه گرمای داشت رزمی است که پیکارگران راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تا آخرین ذره جان و روانشان پی گرفتند و آنگاه که در بزرگ راه انتخاب تاریخی «بودن یا نبودن» قرارش دادند، سربلند و پرغرور در برابر تاریخ راه شرافت انسانی و پابندی به آرمان های والای کارگران و زحمتکشان را برگزیدند. و از این روست که ما ماتم مرگ را به دور می افکنیم و باورمندیم که اصالت با زندگی است و بشر بیش از پیش آن را خواهد آراست و آوند آن را از زلال بهروزی خواهد آموذ. آنان که جهان بینی حزب توده ایران را پذیرفتند، می دانستند که در کشور استبداد زده و اسیر حکومت های سرسپرده و ارتجاعی، دیر یا زود زندان و شکنجه و اعدام در انتظارشان است و با علم بر این حقیقت گام در



شماره ۵۶۷، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۶ مهرماه ۱۳۷۸

پرچم همچنان در اهتزاز پیکار توده ها

دهم مهرماه امسال، مصادف است با پنجاه و هشتمین سالگشت بنیانگذاری حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و پرسابقه ترین حزب سیاسی میهن ما. آنچه تاریخ پرفراز و نشیب، رزم و پیکار، شکست و پیروزی توده ای ها را برجسته می کند نقشی است که حزب آنها در حیات معاصر میهن و مبارزه زحمتکشان برای دست یابی به عمده ترین خواست های خود در راستای ایجاد یک جامعه آزاد مبتنی بر دموکراسی و عدالت اجتماعی ایفاء کرده است. در شش دهه اخیر حیات کشورمان، هیچ عرصه ای از مبارزه در راه احقاق حقوق کارگران و زحمتکشان و رهایی زنان، جوانان، روشنفکران و خلق های زیرستم ایران نیست که از نشانه های وسیع فعالیت حزب توده ایران در آن نشانی نباشد. حزب ما، به تصدیق دوست و دشمن، پیشاهنگ جنبش مبارزاتی رادیکال برای گشایش راه تغییرات بنیادین در جامعه سنت گرا و استبداد زده بوده است. این مبارزه دشوار در بخش عمده حیات حزب، در شرایط تسلط دیکتاتوری بر کشور، و مختصات ویژه جامعه جریان داشته که سازماندهی و پیوند دادن مبارزه

ادامه در صفحه ۴ و ۵

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

در سوگ رفیق جواهری، سندیکالیست برجسته

مرکزی حزب توده ایران منتشر می شد و رفیق جواهری از شرکت کنندگان در نخستین کنگره نویسندگان ایران، در سال ۱۳۲۵ بود. بعمده ترین عرصه فعالیت رفیق جواهری، در جنبش سندیکایی بود. با غیر قانونی اعلام شدن حزب توده ایران در سال ۱۳۲۷، رفیق جواهری دستگیر و زندانی شد. در دوران حکومت دکتر مصدق از زندان آزاد شد و در سال ۱۳۳۰ عازم اروپا گردید و به نمایندگی اتحادیه های کارگری ایران در فدراسیون سندیکایی جهانی در وین و سپس در پراگ به فعالیت پرداخت. رفیق جواهری در مهاجرت به عنوان نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران، در مرکز فدراسیون جهانی سندیکاهای پراگ فعالیت چشمگیری داشت و مدتها عهده دار مسئولیت منطقه خاورمیانه و نزدیک و آفریقای شمالی در فدراسیون بود. رفیق جواهری، در سال های آخر حیاتش، در پاریس، در دفتر «س.ژ.ت»، به فعالیت سندیکایی مشغول بود.

در مراسم بزرگداشت رفیق جواهری در پاریس شماری از دوستان، یاران و همچنین، مسئول روابط بین المللی «س.ژ.ت» حضور داشتند. ما درگذشت، رفیق جواهری، این مبارز رشور راه طبقه کارگر ایران را به همه مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن، به همسر و فرزندان تسلیم می گویم. نام رفیق جواهری، در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران ماندگار است. یادش گرامی و راهش پررهرو باد.

رفیق محمد علی جواهری، انسان آزاده، شریف، کمونیست فداکار، سندیکالیست برجسته، یکی از قدیمی ترین اعضای حزب توده ایران، در روز چهارشنبه ۲۴ شهریور ماه، در سن ۸۸ سالگی، در پاریس درگذشت. رفیق جواهری در یک خانواده انقلابی، در پاییز ۱۲۹۰، در شهر رشت متولد شد و از همان نوجوانی با جنبش کارگری و کمونیستی آشنا شد. رفیق جواهری در سن دوازده سالگی به عضویت سازمان جوانان حزب کمونیست ایران درآمد. رفیق جواهری توسط دانی اش که مسئول کمونیست ها در شهر رشت بود در تماس با رفقا بقراطی و روستا قرار گرفت. رفیق جواهری، از جمله افتخارات دوران نوجوانی اش را آشنایی و دیدار با احسان الله خان، خالو قربان، ذره و حسابی می دانست. رفیق جواهری، در صفوف حزب توده ایران با جدیت و پشتکار به انجام وظایف انقلابی پرداخت و تا آخرین سال های عمر پربارش، تا لحظه ای که توانایی جسمی اش اجازه می داد، به فعالیت پربارش در صفوف حزب ادامه داد و از نظر انضباط و وظیفه شناسی، سرمشق رفقای بود. رفیق جواهری یکی از پیش کسوتان جنبش سندیکایی، از رهبران شورای متحده مرکزی و عضو هیأت تحریریه روزنامه «ظفر»، ارگان این شورا بود. رفیق جواهری، رفیقی پرکار بود و در زمینه ادبیات فارسی و عربی مطالعات وسیعی داشت. اشعار او با نام مستعار «رواهج» در روزنامه «رهبر»، ارگان

ادامه دیداری دوباره با شهدا ...

خستگی ناپذیر و قهرمان نام برد و کتاب ها و مقاله ها در این باره به رشته تحریر درآورد. روزبه در بیدارگاه رژیم ستم شاهی خبر از آینده و درخشیدن خورشید حقیقت می داد و سیامک ها، کیوان ها، و کیلی ها و ده ها افسر دلاور توده ای سرود خوانان، سربلند و استوار جوخه های مرگ را پذیرا می شدند. «این خداحافظی دستجمعی شهیدان ملت در واپسین روز زندگی خودمان است. نخست درود آتشین ما را بپذیرید دیگر آن که بداند تا آخرین دم به خلق وفادار ماندیم» (از نامه رفیق شهید سرگرد جعفر و کیلی). این تنها شماری از شهدا و قربانیان جنبش ملی شدن نفت ایران بودند. توده ای ها قربانی شدن تا رژیم ستم شاهی نفت و دیگر منافع ملی میهن ما را به تاراج ببرد. ۲۶ سال بعد رفیق شهید حاجت الله ذوالفقاری در وصیت نامه اش نوشت: «مرگ من، مرگ ما، خود آن زندگیست که پرچم آزادی زحمتکشان را بر بام جهان می افرازد.» و در پی نخستین نسل افسران، نسل دوم افسران توده ای، رزمندگان طبقه کارگر، افضل ها، آذر فرها، کبیری ها، عطاریان ها، گام در همان راه می نهند و جان خود را فدای میهن و آرمان های انسانی طبقه کارگر می کنند. و آنگاه اسطوره مقاومت زندان های «ولایت فقیه»، رفیق رحمان هاتفی (حیدر مهرگان) در آن هنگام که دژخیمان پیکرش را زیر شکنجه های وحشیانه در هم کوبیده بودند و با بدن خونین در سلول انفرادی رهاش کرده بودند، با خون خود بر دیوارهای زندان نوشت: «راه همان است که ما رفتیم» و در پی او شیرزن توده ای رفیق فاطمه مدرسی (سیمین فردین) دژخیمان و توابع خود فروخته را خوار و ذلیل می کند و سربلند به استقبال جوخه اعدام می رود. حماسه رزم و زندگی ادامه دارد و پرچم بر زمین افتاده به دست رزمندگان دیگری سپرده می شود. در شکنجه گاه ها رفقای کارگر حسین پور تبریزی و شناسایی، پرچم بدست، مقاومت اسطوره ای می کنند و آنگاه آن روزهای سیاه فاجعه ملی. کشتار هزاران رزمنده، از جمله صدها توده ای که می بایستی بین تسلیم شدن و یا مقاومت در برابر خواست دژخیمان انتخاب می کردند. و این بار در میان قربانیان ستم، شماری از سرشناس ترین زندانیان سیاسی ایران. قهرمانانی که بیش از ۲۵ سال از عمر خود را در زندان های شاه گذرانده بودند. کی منش ها، حجری ها، باقرزاده ها، و انسان های والا و دانشمندی همچون ناظمی ها (نیک آئین)، جوانشیرها در کنار ده ها رزمنده جوان توده ای که کادرهای برجسته جنبش بودند. رفیق شهید دکتر تقی ارانی در زندان گفت جریان تاریخ شط روشنی است که به دریای تکامل می ریزد، بگذارد تا در این شط مقدس از قطراتی باشیم که به سوی دریا می روند نه از آن هایی که در لجن کناره، آلوده و گندیده می شوند. آینده تاریخ بی شک از آن فرزندان راستین خلق است و مادر آستان اطلسین سحرگاه به فردا می نگریم و از شعله عشق انسانی و بزرگ شهدای راه آزادی، گرما می گیریم و نیک می دانیم که فدای شیرین پیروزی و آزادی دور نیست.

ادامه نگاهی به بحران داغستان

رئیس جمهوری چین رسماً و صراحتاً اعلام داشت: «...چین و روسیه به عنوان دو کشور همسایه و دو عضو شورای امنیت سازمان ملل باید تلاش مشترکشان را معطوف به این امر سازند که یک نظم اقتصادی - سیاسی نوین در جهان بوجود آید...»

نکته پراهمیت در این سلسله رخدادها اینست که، برنامه و سیاست تضعیف و مهار روسیه توسط امپریالیسم، فقط محدود به تحریکات قومی، مذهبی و اغتشاش در جمهوری های وابسته نیست. در مرکز و قلب روسیه نیز این برنامه جریان دارد. آمریکا با تقویت همه جانبه دارودسته یلتسین در مسکو، طی چند سال اخیر، اهرم های قدرتمندی را برای تأثیرگذاری بر فرایندهای داخلی روسیه به چنگ آورده است، و از این اهرم ها در جهت تضعیف و مهار این کشور سود می برد. افشاء اسناد فساد مالی در کرملین در مطبوعات و رسانه های همگانی در اروپا و آمریکا، در حالی که از سوی ماهیت مافیایی محافظ قدرت در روسیه را نشان می دهد، از سوی دیگر تقویت کننده شایعاتی در مورد دست داشتن محافظ حاکمه در مسکو در ایجاد بحران های کنونی اند. اکنون حتی در مطبوعات پر انتشار روسیه به صراحت از تدارک یک کودتا از سوی محافظ نزدیک به یلتسین از جمله دو دختر او سخن گفته می شود و انفجار بمب های اخیر در مناطق مسکونی روسیه، که باعث کشتار صدها تن و ایجاد جو رعب و وحشت شده است را به مهره های سرشناس باند مافیایی یلتسین ارتباط می دهند. آنان که از قریب الوقوع بودن انتخابات پارلمانی آینده، که اپوزیسیون در آن پیروز خواهد شد و اینکه در آینده نزدیکی

می باید در رابطه با جیاول دارایی های کشور پاسخگو باشند، به وحشت افتاده اند و منافع مستقیمی در گسترش بحران و حتی جلوگیری از برگزاری انتخابات دارند. بر پایه گزارشات مطبوعات غرب، که از سوی شاهدان معتبری تأیید شده اند میلیارد ها دلار از وام های صندوق بین المللی پول به عوض کمک به جلوگیری از ورشکستگی صنایع و پرداخت دستمزد های عقب مانده به حساب های بانکی وابستگان یلتسین در بانک های آمریکا واریز شده است، شواهد انکار ناپذیری دال بر پرداخت میلیون ها دلار به اعضای خانواده یلتسین از سوی یک کمپانی سوئیسی، برنده مناقصه برای مرمت و بازسازی کاخ کرملین است. محاکم قضایی روسیه اعلام کرده اند که، این گزارش ها را پیگیری خواهند کرد. و این، در شرایطی که احتمال شکست یلتسین و نیروهای طرفدار او در انتخابات حتمی است، یکی از عوامل عمده در محاسبه آنان برای ایجاد بحران کنونی است. کوتاه سخن: بحران داغستان، افشای فساد مالی حاکمان تبهکار کرملین، شورش مسلحانه در قرقیزستان، ناآرامی در جمهوری های قفقاز شمالی، جنگ برادر کشی در افغانستان، همگی رشته هایی به هم پیوسته اند که سرحلقه آن امپریالیسم جهانی و برنامه های سیطره جویانه آن است. همه این بحران ها در منطقه پراهمیت آسیا - اروپا، یعنی آسیای میانه، روسیه و قفقاز، با هدف تثبیت نظم نوین جهانی و تحکیم موقعیت امپریالیسم در سده بیست و یکم صورت گرفته و می گیرد.

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

برای آنان گردید و تا به امروز در راه برابری همه جانبه حقوق زنان در میهن ما رزمیده است. حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی کشور بود که پرچم مبارزه بر ضد استبداد، استعمار و نو استعمار را بر افراشت، و خواهان استقرار حکومتی مردمی و دموکراتیک شد، و با وجود صدمات بسیار، هزاران شهید، ده ها هزار سال زندان و تبعید، که اعضاء و هواداران حزب تا به امروز متحمل شده اند، همچنان به پیکار خود در این راه ادامه می دهد. و باز این حزب توده ایران بود که در راه دفاع از حقوق جوانان، دانشجویان و دانش آموزان، خواهان آموزش رایگان در همه سطوح بود و سهم عمده ای در روشنگری و سازمان دهی جنبش جوانان میهن ما دارا بود. حزب توده ایران با انتشار صدها کتاب، نشریه، مجله و مقالات روشنگر، نقش برجسته ای در تربیت روشنفکران انقلابی و مسلح کردن انقلابیون میهن ما به اندیشه های دوران ساز مارکسیسم و لنینیسم داشت و با معرفی اندیشه، ادبیات و هنر مترقی به میهن ما توانست به ارتقاء سطح فرهنگ و دانش کمک بسزائی کند.

ارتجاع و امپریالیسم، در یورش های پی در پی به حزب توده ایران بارها «انحلال»، «نابودی» و به پایان رسیدن نقش حزب توده ها را اعلام کردند، ولی هر بار، حزب توده ایران، همچون قفتوس، از خاکستر شکست ها و عقب نشینی های جنبش سر برآورد و دیگر بار پرچم پیکار طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما را به اهتزاز در آورد. به تاریخ می توان دروغ گفت، اما تاریخ دروغ نمی گوید. سازمان سیا و دستگاه های جاسوسی دولت انگلستان کودتای ۲۸ مرداد را برای جلوگیری و سرکوب «خطر حزب توده» سازمان دهی کردند، و نزدیک به ۲۵ سال کوشیدند تا تاریخ حزب توده ایران را تحریف کنند، صدها کتاب و هزاران مقاله نوشتند، تا به زعم خودشان، «گذشته چراغ راه آینده» نسل جوان شود، تلاش کردند تا حزب را از درون، با انشعاب و گسست، منفجر کنند، صدها توده ای مبارز را برای دهه ها به سیاهچال ها انداختند، ولی با ورزش نسیم آزادی و پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، حزب توده ایران باردیگر سر بلند کرد و آن چنان خطر بزرگی برای ارتجاع و امپریالیسم شد که ریگان، رئیس جمهوری آمریکا در دهه هشتاد میلادی، نسبت به «خطر حزب توده در خاورمیانه» هشدار داد و سید علی خامنه ای، «ولی فقیه» رژیم ارتجاع، از خطر جدی بی که توده ای ها برای سرنوشت «انقلاب اسلامی» و حاکمیت «اسلامی» و دقیق تر بگویم حاکمیت روحانیت مرتجع ایجاد کرده بودند، سخن می گفت. و بار دیگر «ضرورت» سرکوب خونین حزب توده ایران برای به شکست کشاندن انقلاب، و همزمان با آن دستگیری، شکنجه و سرانجام کشتار جمعی صدها مبارز توده ای و حزب سازی، تاریخ نویسی، شخصیت تراشی و تلاش برای تحریف تاریخ حزب توده ایران در دستور کار دشمنان طبقاتی حزب و زحمتکشان میهن ما قرار گرفت.

هم میهنان مبارز،

حزب ما در حالی به استقبال پنجاه و نهمین سال حیات و پیکارش می رود که میهن ما دوران سخت و بشدت بحرانی را از سر می گذراند. بیست سال پس از پیروزی انقلاب مردمی بهمن ۵۷، و سرنگونی رژیم ستم شاهی، هنوز هیچ یک از خواست های بحق مردم در زمینه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی تحقق نیافته است، بلکه با گذشت زمان، اوضاع وخیم تر و دشوار تر می شود. بیست سال پس از انقلاب بهمن ۵۷، ثمره حکومت بیست ساله روحانیون مرتجع و واپس گرا بر میهن ما را می توان در عقب ماندگی اجتماعی، بحران عمیق اقتصادی، تشدید فقر و محرومیت میلیون ها ایرانی، و نیز استبداد خشن و خونین و بی آیندگی نسل جوان میهن مان خلاصه کرد. به اعتراف «ولی فقیه» و انصارش، امروز مهم ترین مسأله ایران، نه رسیدگی به انبوه مشکلات عظیم مردم، نه مبارزه با بی عدالتی و محرومیت میلیون ها خانواده ایرانی و ظلمی است که دستگاه اجرایی رژیم بر آنها روا داشته است، و نه مقابله با بحران رو به گسترش اقتصادی، بلکه حفظ «ولایت»، و به عبارت روشن تر، حفظ حق ویژه و انحصاری روحانیت مرتجع و ضد مردمی برای تداوم حاکمیت سیاسی در ایران خ، لاصه می شود. امروز در حالی که بیش از نیمی از جمعیت ایران در شرایط دشوار زیستی قرار

دارند و فقر، محرومیت و فشارهای اقتصادی بیداد می کند، میلیاردها دلار، که می توانست صرف سازندگی کشور شود صرف حفظ و گسترش صدها هزار نیروی سرکوبگر، سپاه، وزارت اطلاعات و بسیج می شود تا رژیم متکی به این نیروها در مقابل خشم توده ها «بیمه» گردد. در چنین شرایطی حکومت مداران حاکم بر میهن ما تنها با اتکاء به سرنیزه، ترور و اختناق است که به حیات خود ادامه می دهند. ادعاهای حمایت مردمی و «امت» در صحنه از حکومت در دوم خرداد ۷۶، با رأی بیش از بیست میلیون ایرانی بر ضد «ولایت فقیه»، بر ضد «هرچه بیشتر اسلامی کردن ایران» و بر ضد «ذوب در ولایت» همچون جاب صابون ترکیب و انزجار عمومی توده ها را نسبت به رهبران رژیم ورشکسته و پوسیده نشان داد. برای رژیم که مهم ترین مشغله اش «حفظ ولایت» است بدیهی است که می توان حتی تمامی ایران را به خاک و خون کشید تا «نظام اسلامی» را بر ویرانه های آن برپا نگاه داشت. تجربه دوسال گذشته نیز سند محکمی در تأیید همین اهداف ضد مردمی و ضد ملی سران رژیم است.

یورش به هر حرکت و تلاشی برای کاهش اختناق حاکم، ترورهای نفرت انگیز آزادی خواهان بدست مأموران وزارت اطلاعات «ولی فقیه» و سرانجام سرکوب خونین قیام دانشجویان در ۱۸ تیرماه سال جاری، همه به نام «حفظ اسلام» و «نظام» صورت گرفته است و مزدوران مسلح رژیم نیز اعلام کرده اند که، در صورت احساس خطر بیشتر آماده اند برای باز پس گرفتن سنگرهای از دست رفته هر گونه اقدام لازمی را، از جمله قتل عام هزاران انسان دگراندیش و کودتای خونین سازمان دهی کنند. برای رژیم «ولایت فقیه» هرگونه «رفورم» و حرکتی به قصد تخفیف استبداد، زهر کشنده ای است که نمی توان درباره آن با هیچ نیرویی، از جمله برخی نیروهای «خودی»، مذاکره کرد. خصلت «رفورم» ناپذیری رژیم استبداد قرون وسطایی «ولایت فقیه» زمینه اساسی بحران همه جانبه میهن ماست، و درست به همین سبب نمی توان در هیچ زمینه ای به تغییر و تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک به نفع توده ها امیدوار بود.

رزمندگان توده ای، اعضاء، هواداران و دوستان حزب!

حزب ما در آستانه پنجاه و نه سالگی بنیان گذاری اش، سربلند در برابر تاریخ و خلق به آینده و رهایی میهن از چنگال استبداد و ارتجاع قرون وسطایی می اندیشد، و در این راه پیکار می کند. ادامه رزم دشوار حزب توده ها، در طول این شش دهه، در زیر رگبار مرگبار حملات قطع ناشدنی دشمنان و امپریالیسم، بیش از هر چیز، مرهون قهرمانی ها، از خود گذشتگی ها و نبرد آگاهانه و دلیرانه شما بوده است. در سالروز تولد حزب مان بجاست که با تجدید عهد با انبوه قهرمانان با نام و بی نامی که در صفوف حزب رزمیده و جان خود را در راه آرمان های والای طبقه کارگر ایران، آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم فدا کرده اند تجدید پیمان کنیم و پرچم پر افتخاری رزم حیدر عموغلی ها، ارانی ها، سیامک ها، میشری ها، روزبه ها، حکمت جوها، تیزابی ها، افضلی ها، رحمان هاتفی ها، سیمین فردین ها، کی منش ها، حجرری ها، ... و انبوه دیگر شهدای حزب و جنبش به اهتزاز درآورده اند، برافراشته نگاه داریم و به نسل آینده بسپاریم. حزب توده ایران، متعهد و باورمند به این آرمان ها به مبارزه خود تا پیروزی نهایی طبقه کارگر و زحمت کشان ادامه خواهد داد.

درد آتشین به خاطره شهدای توده ای و همه شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن!

دردفراوان به زندانیان سیاسی، که در سیاهچال های رژیم بر ضد استبداد و ارتجاع می رزمند!

فرخنده باد پنجاه و هشتمین سالروز حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان ایران!

با هم پیش به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای طرد رژیم «ولایت فقیه»، استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
مهرماه ۱۳۷۸

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامهٔ پرچم همچنان در اهتزاز ...

لایه های مختلف توده ها به یک دیگر و وفاداری به اصول بنیانی سوسیالیسم علمی و انطباق آنها با وضعیت خاص جامعه، فقط با بسیج آگاه ترین، شریف ترین و انقلابی ترین فرزندان کشور ممکن بوده است. از افتخارات حزب ما شرکت فعال و مبتکرانه آن در مبارزه سیاسی بر گرفتن نقاب از چهره دشمنان خلق - امپریالیسم جهانی، ارتجاع داخلی و نظام مبتنی بر سرمایه داری - و آگاه ساختن کارگران و زحمتکشان به ماهیت واقعی آنها بوده است. حزب توده ایران، در اوایل بنیانگذاری خود، در افشاء ماهیت ضدانسانی فاشیسم را که در سالیان ابتدائی دهه بیست درمیان لایه هایی از روشنفکران و برخی نیروهای ملی کشور ما رسوخ کرده بود، نقش برجسته و منحصر بفردی ایفاء کرد. این نقش استقلال طلبانه و آزادی خواهانه، در مرحله بعدی مبارزات حزب در چارچوب شناساندن ماهیت واقعی امپریالیسم آمریکا که در زیر نقاب «آزادی خواهی» در تلاش برای استقرار تسلط استعماری و نواستعمارگرانه به حیات سیاسی میهن ما وارد شده بود، تداوم یافت. مبارزات حزب توده ایران برای متشکل کردن و پرچمداری، جنبش خلق های کشور برای کسب، گسترش و تحکیم حقوق و آزادی های دموکراتیک در دشوارترین شرایط اجتماعی و سیاسی، صورت گرفته است. در تاریخ مبارزات دهه های اخیر مردم میهن ما، کمتر پیروزی و دستاوردی را می توان یافت که حزب توده ایران در آن سهم نداشته و یا زیر هدایت حزب تحصیل نشده باشد. قضاوت عادلانه تاریخ نویسان بی طرف و آگاه، در رابطه با مبارزه شصت ساله توده ای ها، نمی تواند جز این باشد که با وجود همه دشواری ها، بر رغم برخی شکست ها و اشتباهات که در تاریخ آن ثبت شده، حزب توده ایران در انجام وظایف تاریخی ای که برعهده گرفته کامیابی های چشم گیری، توانسته است داشته باشد. تاریخ مبارزاتی حزب توده ایران بخش جدا ناپذیری از تاریخ مبارزه شکوه مند خلق های کشورمان در دوران معاصر است.

حزب توده ایران و جنبش طبقه کارگر

یکی از برجسته ترین دستاوردهای حزب توده ایران، نقش آن در سازمان دهی مبارزهٔ طبقه کارگر کشور و کار آگاهانه و سازمان یافته در میان زحمتکشان، در سراسر دوران فعالیت آن است. حزب توده ایران از ۱۰ مهر ماه ۱۳۲۰ در ادامه سنن پرافتخار حزب کمونیست ایران، مبارزات آگاه ترین بخش های طبقه کارگر کشور را در حساس ترین لحظات تاریخ معاصر میهن ما هدایت کرده است. ویژگی این مبارزه، در بینش علمی و انقلابی حزب و درک حزب از نقش یکتای طبقه کارگر در مبارزه برای استقرار یک جامعه سوسیالیستی خلاصه می شود. نه فقط هواداران سوسیالیسم علمی، بلکه حتی دشمنان حزب ما، اذعان دارند که رشد و گسترش جنبش کارگری و سندیکیایی عمدتاً محصول مبارزه حزب توده ایران برای تحقق شعارهای کوتاه و دراز مدت طبقه کارگر ایران بوده است. حزب توده ایران در درانی مبارزه کارگران برای ایجاد سازمان های صنفی خود را سازمان داد که، زحمتکشان با فقر سیاه دست و پنجه نرم می کردند و از هر گونه تشکیلی محروم بودند. تحت هدایت حزب توده ایران و بر پایه تجربه مشخص کارگران میهن در مبارزات حق طلبانه خود و درس گیری از تجربیات زحمتکشان در کشورهای دیگر جهان، تشکل های کارای کارگری در ایران پایه گذاری شد، و در راستای تکامل خود به قدرت مند ترین نمونه های خود در خاورمیانه تبدیل شدند. تدوین و تصویب نهایی اولین قانون کار در میهن ما، بر پایه مبارزات طبقه کارگر تحت رهبری حزب توده ایران، ممکن شد. در دوران پس از انقلاب بهمن ۵۷ نیز حزب توده ایران هدایت گر فصل جدیدی از مبارزات پیچیده طبقه کارگر در مقابل کوشش های نمایندگان ارتجاع برای تحمیل یک قانون کار ارتجاعی بود. حزب توده ایران به کارگران آموخت که، آنچه در ارزیابی آنان از ماهیت واقعی دولت و ارگان های حاکمه اهمیت دارد، نه شعارهای آنان، بلکه موضع عملی آنان در رابطه با خواست های زحمتکشان کشور است.

در دوران پس از انقلاب، باسلطه یابی ارتجاعیون بر ارکان تصمیم گیری کشور، کوشش های هماهنگ محافل حاکمه در جهت اعمال نسخه های صادره از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بوده است. توفیق این کوشش ها مطمئناً عواقب دردناکی برای طبقه کارگر و زحمتکشان کشور در برداشته و خواهد داشت. طی سال های اخیر دولت ها، به عوض اتخاذ سیاست های اقتصادی مردمی و پیاده کردن فوری یک سیاست مالیاتی روشن، به منظور تامین عدالت اجتماعی، از سویی نظاره گر بی عمل حراج موسسات دولتی به ثمن بخش بوده و از سوی دیگر دست کارفرمایان را در پایمال کردن حقوق کارگران کاملاً باز گذاشته است. دستمزد زحمتکشان برای ماهها به تعویق می افتد، هزاران کارخانه تعطیل

شده و کارگران آنها بیکار شده اند، حوادث کاری غوغا می کند و هیچ گونه کوششی برای گسترش فرهنگ ایمنی در کارگاه ها صورت نمی گیرد. برای حل معضل بیکاری که طبق آمار دولتی حدود ۱۵ درصد جمعیت فعال را در بر می گیرد و می رود که در آینده ابعاد فاجعه باری به خود بگیرد، هیچ گونه راه حل عملی تدارک و پیش بینی نشده است. سران رژیم بر این باور خام بوده اند که، با سرکوب حزب توده ایران و جنبش کارگری، مقاومت در مقابل سیاست های ارتجاعی آنان پایان خواهد گرفت. اما رشد بی سابقه جنبش اعتراضی طبقه کارگر در سال های اخیر و مبارزه همه جانبه ای که زحمتکشان در مقابل توطئه حذف پوشش قانون کار از کارگاه های کوچک با کمتر از سه کارگر سازمان دادند، بازتاب این حقیقت تاریخی است که هیچ سرکوبی قادر به جلوگیری از روئیدن بذر آگاهی دهنده ای که حزب ما در طول دهه ها در جامعه پراکنده، نفوذ و اعتبار حزب توده ایران در درون طبقه کارگر، مدیون مبارزات طولانی در جهت جامعه عمل پوشاندن به تعهدات مشخصی است که در برنامه حزب برای تقسیم پایه ای جامعه با هدف تحقق خواست های کارگران و زحمتکشان مورد تاکید قرار گرفته است.

در دوران کنونی، حزب توده ایران بر اساس مطالعه خواست های بلاواسطه و اساسی زحمتکشان، و ارزیابی دامنه اعتراض های کارگری معتقد است که کارگران آگاه و فعالان کارگری باید به موازات ادامه آشنائی و پاشیدن بذر آگاهی انقلابی و استفاده ضرور از تشکل های موجود قانونی تشکیل سازمان های صنفی مستقل طبقه کارگر را در دستور کار خود قرار دهند. حزب توده ایران بارها این اعتقاد تاریخی خود را تکرار کرده است که هیچگونه تحول پایه ای در جامعه ایران و از جمله دستیابی به دموکراسی و احترام به حقوق بشر بدون شرکت موثر طبقه کارگر امکان پذیر نیست.

ما و جنبش جوانان

حزب توده ایران بر مبنای توصیه لنین که می گوید: «ما حزب آینده ایم، آینده به نسل جوان تعلق دارد که با اشتیاق بسیار از نوآوران پیروی می کنند»، از همان آغاز دوران فعالیتش به سازمان گیری و بسیج جوانان برای مبارزه در راه خواست های عدالت خواهانه شان همت گمارد. ایجاد اولین تشکل های ترقی خواهانه در میان جوانان و دانشجویان و دانش آموزان کشورمان به ابتکار توده ای های جوان بود. آنان، چه در جنبش ضد امپریالیستی مردم میهن ما برضد شرکت غاصب نفت جنوب، چه در مبارزات افشاء گرانه برضد رژیم ستم شاهی و چه در مبارزات شکوه مندی که به انقلاب بهمن ۵۷ انجامید، شرکت فعال داشتند. این که جوانان کشورمان شدیداً از وضعیت حاکم بر جامعه ناراضی اند و بالقوه یکی از عمده ترین نیروهای جبهه آزادی خواهی و تغییرات بنیادین را تشکیل می دهند، واقعیتی انکار ناپذیر است. بیکاری گسترده جوانان، جلوگیری از گسترش هنر، رواج برداشت های خرافی از پدیده های گونه گونه گون هستی، عدم توجه به خواست های صنفی جوانان دانشجو و سرکوب عادی ترین تمایلات نسل جوان، فقط شماری از «دستاورد های» رژیم ولایت فقیه برای فردا سازان میهن ما بوده است. بی آینده گی تحت حاکمیت رژیم ولایت فقیه، بخش های وسیعی از جوانان میهن را به مبارزه برای تحول دموکراتیک جلب کرده است.

این حقیقت که بخش وسیعی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می دهند، و نیز نقشی که جوانان آگاه و آزادی طلب در همه تحولات عمده معاصر میهن ما، از جنبش ضد استعماری ملی کردن صنعت نفت گرفته تا شرکت در انقلاب بهمن ۵۷ و مبارزات بغرنج کنونی برای استقرار دموکراسی در کشور، ایفاء کرده اند، نمایشگر سهم عمده آنان در مبارزات سرنوشت ساز آینده میهن ما است. مبارزه شکوه مند جوانان و دانشجویان کشور، در تیرماه، سال جاری در طلب آزادی های پایه ای و «نه» رسی آنان به رژیم ولایت فقیه را باید عکس العمل طبیعی آنان در مقابل سیاست های ارتجاعی، کهنه و غیرعلمی رژیم و ناتوانی ذاتی آن به اتخاذ هرگونه سیاست پیگیری در راستای اصلاحات واقعی دانست. تاریخ حزب توده ایران، از توان و ابتکار در سازماندهی موثر و هدفمند مبارزات جوانان و دانشجویان، به مشابه بخشی جداناپذیر از جنبش خلق برای دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی، نمونه های تحسین برانگیزی در بر دارد. حزب توده ایران مصمم است که، در آینده نیز بر پایه تجربیات گران بهای جنبش توده ای، ضمن حضور مستقیم در مبارزات بر حق جوانان و اشاعه بینش علمی و راه گشای مارکسیسم لنینیسم و تئوری انقلابی، بتواند هم چنان شالوده ساز پیوند ضروری مبارزات جوانان و جنبش طبقه کارگر میهن باشد.

حزب توده ایران و روشنفکران انقلابی

مبارزه حزب توده ایران در جهت اعتلای جامعه و پاشیدن بذر آگاهی در میهن،

ادامهٔ پرچم همچنان در اهتزاز ...

همواره با حیات و تحولات جامعه روشنفکری نوین ایران پیوند ارگانیک داشته است. بخشی از سرشناس ترین چهره های ادبی - هنری میهن ما در صفوف حزب توده ایران رشد و تکامل یافته اند، و ادبیات توده ای و انقلابی در کشور بانام حزب توده ایران عجین است. حزب توده ایران، در مدت کوتاهی که امکان فعالیت علنی یافت آن چنان حیات سیاسی - فرهنگی جامعه را دگرگون کرد که اثرات آن تا به امروز نه تنها در میهن ما، بلکه در منطقه خاورمیانه همچنان باقی مانده است. این ادعایی بی پایه نیست اگر بگوییم که آشنایی ایرانیان با مارکسیسم و لنینیسم در میهن ما عمدتاً از طریق حزب توده ایران صورت گرفته است. تدوین و انتشار متون و منابع مارکسیستی جدید، در انطباق با شرایط اقتصادی و اجتماعی میهن، و ترجمه بخش وسیعی از کلاسیک های مارکسیستی، نتیجه برنامه ریزی و صرف نیروی عظیمی از سوی حزب توده ایران بوده است.

کمزورترینی را می توان شناخت که پیوند ساختاری و آرمانی بنیادینی همچون پیوند حزب توده ایران با روشنفکران، نویسندگان، شاعران و هنرمندان داشته باشد. نویسندگان، شاعران و هنرمندان، چه به عنوان فرد، در جهت نشر آثار آفرینش گرانه خود در رشته های گوناگون خلاقیت های هنری و مشاهده و بررسی بازتاب آن آثار در جامعه، و چه به عنوان جمعی، با منافع ویژه خود، که بارزترین آن ضرورت نهادی شدن آزادی بیان بوده است، از یاری های حزب توده ایران برخوردار شده اند.

حمایت اصولی حزب توده ایران از نوگرایی، آزادی اندیشه و بیان مبارزه برضد سانسور، در هر شرایطی، عناصری نیرومند در تکامل این پیوند حیاتی بوده است. این پیوند از جانبی منعکس کننده این حقیقت است که روشنفکران انقلابی و ترقی خواه، همدوش دیگر قشرهای خلق در مبارزه برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی نقش ویژه و تاریخی دارند. حزب توده ایران همیشه بر این اعتقاد بوده است که، موضع گیری سیاسی روشنفکران خلقی متأثر از واقعیت های عینی اجتماعی، شرایط جنبش مطالباتی زحمتکشان و وضعیت کلی جامعه است. حزب توده ایران، این قدیمی ترین نیروی مبارزاتی، به لحاظ وسعت و گستردگی تأثیر سیاسی - فرهنگی بی که در جامعه برجای گذاشته، با هیچ نیروی سیاسی دیگری در ایران قابل مقایسه نیست.

ما و مبارزه برای خواهانه زنان ایران

پیدایش جنبش های اجتماعی زنان، در سده اخیر، به طور عمده با تلاش و مبارزات کمونیست ها در میهن ما پیوندی ناگسستنی دارد. با پایه گذاری حزب توده ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰، مبارزه برای تحقق حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان میهن ما نیز وارد مرحله کیفیتاً نوی شد. در اولین اسناد برنامه نثی حزب توده ایران، موضوع «اصلاح قانون انتخابات و دادن حقوق سیاسی به زنان» (۱۳۲۱)، به عنوان یکی از شعارهای مبارزاتی مهم روز حزب تعیین گردید، و توده ای ها در این راه تمام توان خود را به کار گرفتند.

یکی از سیاه ترین جنبه های ترور رژیم «ولایت فقیه» برضد مردم میهن ما در سیاست های بغایت ارتجاعی آن برضد زنان تجلی می یابد. در دوران پس از انقلاب، زنان که در تمامی مراحل و پیروزی مرحله سیاسی آن سهم کلیدی داشتند، بحق خواهان نفی سیاست های تبعیض گرانه رژیم شاه، و تدوین قوانین عدالت خواهانه و امروزین شدند. پاسخ رژیم تدوین و اعمال واپس گرایانه ترین سیاست ها و راندن زنان از اکثر عرصه های زندگی اجتماعی بود. عملکرد رژیم در رابطه با زنان، حقوق آنان و نقش شان در جامعه بر عقب مانده ترین باور ها مبتنی می باشد. مبارزه برحق و بی امان زنان کشورمان در دودمه اخیر، بر پایه این شرایط مشخص عینی و ذهنی است. پاسخ رژیم در این رابطه، پیوند دادن سیاست ارتجاعی اجتماعی با سرکوب خونین سیاسی است. همزمان با یورش به حزب توده ایران و جنبش ترقی خواهانه سازمان های مستقل و مترقی زنان، از جمله تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و ارگان آن «جهان زنان»، مورد یورش واقع شدند و شمار زیادی از فعالین جنبش زنان دستگیر و روانه شکنجه گاه شدند. مبارزه اسطوره ای زندانیان سیاسی زن، از جمله زندانیان توده ای، از نمونه های درخشان مبارزه برضد ارتجاع حاکم است. چهره های درخشانی مانند رفیق شهید سیمین فردین (فاطمه مدرسی)، در زندان که با وجود شکنجه

غرفه «نامه مردم» در جشن سالانه روزنامه «اومانیته»



در روزهای ۱۰، ۱۱، ۱۲ سپتامبر، جشن سالانه «اومانیته»، ارگان حزب کمونیست فرانسه، در شهر پاریس برگزار شد. حزب توده ایران، در کنار دهها حزب، سازمان کمونیستی و دیگر نیروهای ترقی خواه از جمله شرکت کنندگان در این جشن پرشکوه بود. در جشن سالانه «اومانیته» ده ها هزار تن از غرفه های گوناگون جشن، از جمله «دهکده همبستگی» دیدن کردند. شرکت صدها تن از هم وطنان ایرانی، از گوشه و کنار فرانسه و دیگر کشورها، و مراجعه آنان به غرفه حزب، شور خاصی به فعالیت رفقای شرکت کننده در غرفه «نامه مردم» می داد. رفقای حزبی در بحث ها و گفت و گو های مختلف با ایرانیان مشتاق، آنان را در جریان آخرین مواضع حزب توده ایران قرار دادند. از مهم ترین مسائل مورد بحث، از جمله می توان به مواضع حزب در قبال رژیم «ولایت فقیه»، انتخابات دوره ششم مجلس، جنبش عمومی خلق و روند آتی آن، جنبش دانشجویی و دیگر مسایل مورد علاقه بازدید کنندگان اشاره کرد. در جریان برگزاری جشن، اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون یازدهمین سال فاجعه ملی در میان ایرانیان شرکت کننده پخش شد و همچنین اعلامیه ها و اسناد حزب به زبان های فرانسوی و انگلیسی در دسترس بازدید کنندگان قرار گرفت. پخش نشریات و کتب حزبی از جمله دیگر فعالیت های غرفه «نامه مردم» در جشن «اومانیته» بود. هیأت نمایندگی حزب توده ایران، با وجود محدودیت زمانی توانست با شمار زیادی از هیأت های نمایندگی احزاب کارگری و کمونیستی شرکت کننده در جشن، دیدار و آنها را در جریان آخرین تحولات ایران و مواضع حزب قرار دهد.

های وحشیانه دژخیمان ارتجاع، حاضر نشد ذره ای از اعتقاداتش دست بردارد، از حماسه های جاودانی است که بی شک در تاریخ مبارزات خلق های میهن ما ثبت است.

امروز زنان ایرانی، بخش مهم و نیرومندی از مبارزه عمومی خلق برضد رژیم «ولایت فقیه» را تشکیل می دهند. نقش موثر و فعال زنان در انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، و شکست سهمگینی که ارتجاع در مقابل جنبش مردمی متحمل شد، بار دیگر نشان داد که زنان مبارز ایرانی از چه توان و نیروی عظیمی برخوردارند. زنان ایرانی، دوشادوش مردان، برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می رزمند. زنان، در میهن ما از جمله قشرهایی اند که افزون بر ستم طبقاتی، مورد ستم وحشیانه جنسی رژیم «ولایت فقیه» نیز واقع شده اند، و به همین جهت، از آمادگی بالایی برای مبارزه همه جانبه با رژیم برخوردارند. سازماندهی مبارزه زنان امروز یکی از مهم ترین وظایف نیروهای مترقی، از جمله حزب توده ایران است. برگزاری مراسم هشتم مارس و انتشار نشریات پر محتوی و مبارزه جو، در اوج استبداد ولایت فقیه، در گوشه و کنار ایران در سال های گذشته، و تشکیل دهها گروه زنان، نشانگر ادامه مبارزه قهرمانانه زنان ایرانی است. توده ای ها همچون پنجاه و هشت سال گذشته، تمام توان خود را برای تقویت و ارتقاء کیفی و کمی این مبارزه، به کار خواهند گرفت.

در پایان، بیان این واقعیت ضروری است که مبارزه حزب توده ایران در همه عرصه های اصلی مورد نظر آن منعکس کننده شعار های اصلی توده زحمت در نبرد حیاتی برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است. ما بر این اعتقادیم که هیچ دیواری جنبش هواداران دموکراسی و حقوق بشر، فعالان در راه رفع تبعیض از زنان، رزمندگان طرفدار جامعه ای مدرن و مبتنی بر قوانین عادلانه و مبارزان حقوق دموکراتیک و کارگری را از هم جدا نمی کند. مبارزه حزب توده ایران حلقه کلیدی پیوند دهنده همه این عناصر جنبش مردمی است.

وزارت اطلاعات و گروه های فشار

حزب الله و غیره را پدید آورده و از آن پشتیبانی جدی می کنند، و اینکه «گروه های فشار قبل و بعد از انقلاب بوده اند اما در اصل یکی هستند» به این معناست که، اوباش حزب الله، همان باندهای چاقوکش و لومین اند که در زمان رژیم واژگون شده سلطنتی، به قتل و جنایت و دزدی مشغول بوده اند. تا پیش از این، مسئولان و گردانندگان رژیم، هرگز چنین اعترافی نمی کردند. اعتراف یونسی، خطای آشکاری بود و شاید مانوری حساب شده، ولی هرچه بود، شخص وزیر و وزیر اطلاعات درج آن به شکل پیش گفته در رسانه های همگانی را نوعی تخریب و انتقال نادرست سخنان یونسی قلمداد کردند.

روابط عمومی وزارت اطلاعات، روز شنبه ۸ شهریور ماه، اطلاعیه ای را منتشر ساخت که در آن قید شده بود، گروه های فشار از بسیج و بسیجیان نیستند. در قسمتی از اطلاعیه روابط عمومی وزارت اطلاعات آمده بود: «این وزارت خانه مفتخر است که دارای خیل عظیم کارکنان بسیجی و رزمنده است و تحت هیچ شرایطی تضعیف بسیج و بسیجی را تحمل نمی کند و نخواهد کرد.» شخص یونسی نیز، روز چهارشنبه ۱۰ شهریور ماه، در مراسم معارفه مدیر کل جدید اطلاعات استان گلستان خاطر نشان کرد: «گروه های فشار هیچ ارتباطی با بسیج و نیروهای مسلح و ارگان های جمهوری اسلامی ندارند و از اینها تغذیه نمی شوند.... اعمال این گروهها، اهانت به بسیج و نیروهای حزب الهی و اهانت به نهادهای قانونی است، این گروهها بسیار محدود و معدود بوده و حتی رنگ جبهه و جنگ را هم ندیده اند.»

اما مهم ترین بخش سخنان وزیر اطلاعات در این جلسه، تعریف و توضیح وی از چگونگی نقش وزارت اطلاعات، و نیز ماهیت بازسازی و نوسازی آن بود. یونسی در ادامه سخنان خود، گفت: «نیاز جامعه به امنیت مانند آب، هوا و اکسیژن است، دشمنان و گروههای مخالف نیز همواره رکن نخست مشروعیت را که همان امنیت است، مورد هجوم قرار می دهند... پیش گیری از بحران از وظایف اصلی وزارت اطلاعات است، هدف وزارت اطلاعات در وهله نخست پیشگیری و در صورت وقوع نیز مهار و تبدیل آن به یک فرصت است و اگر این میسر نشد، خاموش کردن [بخوان سرکوب خونین] بحران است، وقایع کوی دانشگاه بحرانی بود که وزارت اطلاعات پیش از همه ارگان ها در حل آن سهم بود و با کمترین خسارت [!!] این بحران حل شد.»

این توضیحات، بخوبی ماهیت و شرح وظایف این دستگاه اهریمنی سرکوب و جنایت را، و نیز ماهیت به اصطلاح نوسازی و بازسازی را، که چیزی جز به انحراف کشاندن افکار همگانی نیست، نشان می دهد.

بر هیچ کس پوشیده نیست که، وزارت اطلاعات در کنار سپاه پاسداران از منابع اصلی تغذیه، تدارک و سازمان دهی گروه های جنایت کار فشار و دارودسته های اوباش و اراذل به نام انصار حزب الله به شمار می رود. با تبلیغات پوچ تحت عناوین نوسازی و بازسازی نمی توان سیما و سرشت ضد مردمی و ضد ملی وزارت اطلاعات را پنهان ساخت و از آن دستگاهی مورد اعتماد مردم پدید آورد. وزارت اطلاعات از بدو تاسیس تا به امروز، عامل اصلی اختناق، سرکوب، شکنجه و پایمال ساختن حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی مردم میهن ما بوده است. توده های میلیونی مردم کشور بدرستی از این دستگاه اهریمنی انزجار و تفر ژرف دارند.

وزارت اطلاعات رژیم ولایت فقیه، زانده و ادامه دهنده راه دستگاه امنیتی شاه یعنی ساواک، و دفتر ویژه اطلاعات است و عناصر بیگانه پرست و خائنی نظیر حسین فردوست، از نخستین پایه گذاران آن محسوب می شوند. وزارت اطلاعات مانند سپاه، در کلیه اقدامات ضد ملی و ضد مردمی دست داشته، و از این رو باید منحل شده و گردانندگان اصلی آن محاکمه و مجازات شوند. امکانات اطلاعاتی - پرسنلی و فن آورانه آن نیز باید در خدمت یک ارگان ذی صلاح، که مطابق قانون و در چارچوب قانون در راه تامین منافع و امنیت ملی ایران خواهد بود، قرار گیرد.

به دنبال رخداد های چند ماه اخیر، بویژه خیزش دانشجویان در هجدهم تیرماه، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، به عنوان مهم ترین ارگان امنیتی کشور، دست به یک رشته تبلیغات پیرامون نقش و جایگاه حضور خود در جامعه زده است. دلیل این گونه تبلیغات روشن است: در حوادث دو سال گذشته، وزارت اطلاعات در کنار سپاه پاسداران، از زمره آن نهادهای حکومتی بوده که، در کلیه برنامه های توطئه گرانه بر ضد جنبش دموکراتیک مردم ایران نقش مستقیم و اصلی داشته، و کاملاً در مقابل خواست توده های مردم قرار گرفته است. این ارگان امنیتی، بنا به سرشت و نوع وظایف خود، به جای آنکه امنیت شهروندان، منافع ملی و حقوق حقه مردم، و به طور کلی حفاظت از بنیادهای کشور را عهده دار باشد، به توطئه، قتل، ترور، شکنجه، مشارکت در چپاول ثروت ملی، ایجاد تشنج در جامعه و بی ثبات ساختن امنیت و زندگی کشور و شهروندان مشغول بوده و به مشابه نیروی ضربت و سرکوب در جهت منافع مدافعان ذوب در ولایت عمل کرده است!

همه این عوامل، به علاوه سابقه سیاه و کارنامه ننگین این وزارت خانه از ابتدای تاسیس، سبب گردیده که، وزارت اطلاعات به شدت در جامعه منفور و به سمیل خیانت و جنایت بدل شود. با وجود کوشش عنودانه سران رژیم و گردانندگان این ارگان امنیتی برای تطهیر این وزارت خانه، مردم میهن ما هرگز نقش آن را در سرکوب های خونین نیروهای سیاسی، پیگرد و ترور رهبران احزاب و سازمان های چپ و مترقی در داخل و خارج کشور، و قتل های زنجیره ای دگراندیشان و غیره فراموش نمی کنند. حتی سناریوی مضحک و سراسر دروغین و جعلی وجود باندهای محفلی، و خودکشی سعید اهامی نیز نتوانست در پیرایش چهره کریه این دستگاه سرکوبگر و به شدت فاسد، موثر واقع شود.

بر پایه همین واقعیت هاست که، از مدتی قبل زمزمه هایی حاکی از انجام «نوسازی و اتخاذ شیوه های نوین» در وزارت اطلاعات به گوش می رسد. ابتدا، رفسنجانی در مقام ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و پاداو و محسن رضایی، دبیر مجمع، مساله بازسازی امنیتی در مقیاس سراسری را مطرح ساختند. پس از انتصاب یونسی به مقام وزیر اطلاعات، تغییرات برنامه ریزی شده ای در سطوح مختلف این وزارت خانه، بویژه در سطح مدیران کل اطلاعات استان ها آغاز شد، ناگفته پیداست که، این اقدامات تحت عناوین «نوسازی» و «بازسازی» در راستای تقویت وزارت اطلاعات، در همان چارچوب شناخته شده، و نیز روحیه بخشیدن به کارکنان و مزدوران آن، صورت پذیرفته و می پذیرد. همراه و هم جهت با این تغییرات، مقامات بلند پایه رژیم و گردانندگان وزارت اطلاعات تبلیغات بیرونی گسترده ای را در این زمینه سازمان دادند که گویا وزارت اطلاعات، ارگانی منسجم، هوشیار و توانا و قدرت مند است که در چارچوب قانونی و تحت نظارت قانونی به فعالیت مشغول بوده و تغییرات مثبتی در آن داده شده است.

شفیعی، قائم مقام وزارت اطلاعات، طی سخنرانی بی در شورای اداری شهر اصفهان، به تاریخ ۳ شهریور ماه سال جاری، تاکید کرد که، شیوه و سیاست های دستگاه اطلاعاتی بر اساس تحولات و نیازمندی های اطلاعاتی و حوادث مختلف در رابطه با حکومت تغییر می کند. وی سپس افزود: «حفاظت و حراست از فضاهای کنونی جامعه از اولویت های دستگاه اطلاعات کشور است.» به این ترتیب، معاون وزیر اطلاعات، نوسازی و بازسازی را که، نخستین بار توسط رفسنجانی عنوان شد، مورد تاکید و پافشاری قرار داد. پس از این موضع گیری، نوبت به یونسی، وزیر اطلاعات، رسید، وی در جریان سی و هشتمین نشست روسای دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی اعلام داشت که، سیاست وزارت اطلاعات حذف و نابودی تدریجی گروه های فشار است. یونسی صراحتاً اعتراف کرد که، عناصر و افراد پر نفوذ و صاحب مقام در عالی ترین سطوح حکومتی، گروه های فشار را تغذیه و سازماندهی می کنند.

وزیر اطلاعات در این زمینه معترف شد: «بنده گفتم جناح های موجود به طور رسمی از این گروه ها حمایت نمی کنند، اما نتیجه این حرف این نیست که در وزارت اطلاعات یا در سیستم قضایی کشور و یا در نیروهای مسلح افرادی از این گروه ها حمایت نمی کنند، چه بسا افرادی در این نیروها و وزارت خانه ها ممکن است از آنان حمایت کنند.» یونسی سپس اضافه کرد: «گروه های فشار قبل و بعد از انقلاب بوده اند و در آینده نیز خواهند بود، گرچه ادبیات و شکل آنان در زمان های مختلف متفاوت است اما در اصل یکی هستند.»

با توجه به این سخنان رسمی، یونسی به عنوان یکی از مهره های اصلی رژیم ولایت فقیه و مسئول دستگاه امنیتی، رسماً تاکید می کند که، افراد و جناح های مشخصی که صاحب قدرت و نفوذ در حاکمیت اند، گروه های فشار مانند انصار



بیوتکنولوژی و تهدید محیط زیست

تظاهرات طرفداران حفظ محیط زیست برضد رستوران های زنجیره ای همبرگر فروشی «مک دونالد» در فرانسه در شهر یورماه بیانگر نگرانی بخشی های وسیعی از افکار عمومی اروپا در مورد گسترش بی رویه و خارج از نظارت فرآورده های بیوتکنولوژیک است. این حقیقتی است که اکثر اجزاء همبرگر های «مک دونالد» که در اکثر پایتخت های جهان در معرض فروش قرار دارند، به طریق بیوتکنولوژیک تهیه می شود و مزه و فرم خاص خود را از این طریق می گیرند. طرفداران محیط زیست در مورد این که فرآورده های غذایی بیوتکنولوژیک می تواند موجب برخی نارسایی ها شوند، اشاره می کنند.

در حال حاضر ۴۵۰۰ نوع گیاه مورد آزمایشات بیوتکنولوژیک قرار دارند و حداقل ۴۰ فرآورده شامل ۱۳ نوع ذرت، ۱۱ نوع گوجه فرنگی و ۴ نوع دانه روغنی که به این طریق تهیه شده اند، از سوی مقامات مسئول جهت ارائه به بازار مورد تأیید قرار گرفته اند.

تولید مواد غذایی بیوتکنولوژیک در دو سال اخیر، به رده پرسودترین فعالیت های اقتصادی ترفیع یافته است. گسترش فرآورده های بیوتکنولوژی برای کمپانی هایی که در این عرصه سرمایه گذاری کرده اند، نظیر کمپانی «مونسانتو» در ایالات متحده و یا «نوروریتس آ.گ.» که مرکز آن در سوئیس است، به معنی درآمد های بالاتر است. فروش محصولات غذایی بیوتکنولوژیک که در سال ۱۹۹۵ فقط ۷۵ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۹۸ بیست برابر شده و به ۱/۵ میلیارد دلار بالغ گردیده است.

از سال ۱۹۹۶ تاکنون، اتحادیه اروپا، فروش ۱۸ فرآورده بیوتکنولوژیک را مجاز اعلام کرده است. ایالات متحده کلاً در مورد این فرآورده ها هیچ نظارت ویژه ای را اعمال نمی کند. در سال ۱۹۹۶، به دنبال شیوع بیماری جنون گاوی و سپس کشف دیوکسین در مرغ های بلژیکی در خردادماه گذشته، و نیز کوکاکولاهای مسموم در فرانسه و کشورهای مجاور آن، مقامات پزشکی در مورد اثرات بیوتکنولوژیک حساس تر شده اند. کشورهای اروپایی خواستار محدودیت قائل شدن برای ورود فرآورده های بیوتکنولوژیک از ایالات متحده شده اند. وزیر محیط زیست آلمان اظهار داشته است: «مادامی که مقررات جدیدی وضع نشده، ما خواستار ورود هیچ ماده جدیدی نیستیم. این عملاً یک مورتوریوم [تعلیق] است.»

حفاظت به شیوه ناتو!

از زمان پایان جنگ در کوسوو، ۲۳۲ نفر از اهالی این منطقه بدلیل انفجار بمب های خوزه ای ناتو، که در طول درگیری های نظامی

که به عنوان یک ارگان امنیت آسیایی که بر اساس مدل سازمان امنیت و همکاری اروپا پایه ریزی شده است، عمل کند.

اجلاس اوپک و اختلاف نظرهای «برادرانه»

یوسف یوسفی، وزیر نفت الجزایر که در ضمن رئیس اوپک نیز است در روز ۲۱ شهریور اظهار داشت که، توافق فروردین ماه گذشته در مورد کاهش تولید نفت به قوت خود باقی خواهد ماند. یوسفی، که در آستانه تشکیل اجلاس آتی اوپک سخن می گفت اضافه کرد: «به عقیده من به تجدید نظر در مورد این کاهش تولید در دوره قبل از اسفندماه هیچ نیازی نیست و در این مورد در اوپک اتفاق نظر وجود دارد.»

اضافه تولید نفت، در بهمن ماه گذشته، باعث گردید که قیمت هر بشکه نفت خام به زیر ۱۰ دلار سقوط کند اما در ماه های اخیر کاهش تولید نفت باعث افزایش قیمت نفت به حدود ۲۰ دلار شده است. یوسفی سخنان خود را در بازدید از کنویت در جریان بازدید از کشورهای خلیج فارس به منظور هماهنگ کردن مواضع اعضای اوپک پیش از اجلاس مهرماه، ایراد کرد.

وزیر نفت کویت، شیخ سعود ناصر الصباح ضمن تأیید اظهارات یوسفی گفت: «آنچه که ما گفته ایم روشن است و من امیدوارم که رسانه ها در مورد آن شک ایجاد نکنند. توافق نامه برای دوره ای تا اسفند سال ۱۳۷۸ امضاء گردید، و هیچ امکانی برای ملاقات های دو جانبه و یا تجدید نظر در مورد این موافقت نامه وجود ندارد.» کویت که خواستار بالا رفتن بیشتر قیمت ها است و میل دازد که موافقتنامه برای سال آینده نیز ادامه پیدا کند. او گفت که در اسفندماه اوپک در این رابطه تصمیم گیری خواهد کرد: «ما دو مسئله اصلی را در نظر خواهیم گرفت: ذخیره ها و قیمت متوسط نفت در طول تمامی سال. صحبت از تغییر در موافقتنامه بی پایه است. مسئله برای ما خیلی روشن است.» در اجلاس مهرماه مسئله دبیر کلی آینده اوپک مورد بحث خواهد بود. ایران و عربستان سعودی نامزدی خود را برای دبیر کلی اوپک اعلام کرده اند. برخی محافل معتقدند که، ممکن است یوسفی به عنوان کاندیدی میانه مطرح شود. یوسفی گفت: «الجزایر مانند همه اعضای اوپک، آماده نیست مشاهده گر باشد که این موضوع مشکلی را در سازمان ایجاد کند. هماهنگی با هدف وحدت اوپک و گام برداشتن در همان مسیری که از اسفند ۱۳۷۷ آغاز کرده ایم، مورد توجه ماست.» شیخ سعود، وزیر نفت کویت، در این مورد گفت: «این موضوع به یک طریق برادرانه و دوستانه حل خواهد شد... این موضوعی نیست که بر سر آن در اوپک اختلاف نظر باشد. به امید خدا، این موضوع به طریقی که برای همه مورد قبول باشد حل خواهد شد.»

بر سر مردم فرو ریخته شده بود، مجروح شده اند. نیروهای هوایی ناتو حداقل ۱۳۰۰ مخزن محتوی بمب های خوشه ای را بر کوسوو فرو ریختند. با در نظر گرفتن این حقیقت که هر مخزن محتوی ۲۰۸ بمب خوشه ای است، عملاً ۲۷۰/۰۰۰ بمب مهلک در سراسر کوسوو پراکنده شده اند. محافل مطلع و متخصصان تسلیحاتی می گویند، ۳۵۰۰ بمب تاکنون ردیابی و خنثی شده اند و با در نظر گرفتن تعدادی که در زمان فرود منفجر شده اند، حداقل ۱۴۰۰۰ بمب منفجر نشده باقی می ماند. ایالات متحده در زمان جنگ ویتنام هزاران بمب خوشه ای بر فراز ویتنام و لائوس فرو ریخت که تا سال ها پس از جنگ باعث مرگ و مجروح ساختن مردم بیگناه این کشورها می گردید. صاحب نظران معتقدند که، کشت و زرع در بخش عمده ای از قلمرو کوسوو بسیار خطرناک خواهد بود و زمانی فراوان طول خواهد کشید تا که بمب های باقی مانده خنثی شوند. بمب های خوشه ای عمدتاً توسط آمریکا و انگلستان ساخته می شود و از نظر نظامی در خانواده مین قرار دارند. جالب اینست که هر دو این کشورها معاهده جهانی عدم تولید و استفاده از مین را امضاء کرده اند.

توافق سازمان ملل با ارتش تروریست های کوسوو

روسیه، در روز اول مهرماه، توافق سازمان ملل را در این مورد که «ارتش آزادی بخش کوسوو» نقش یک نیروی شبه نظامی حفاظت از کوسوو را به عهده بگیرد، محکوم کرده و آن را نقض قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل دانست. مسکو این توافق را قانونی کردن سازمان تروریستی «ارتش آزادی بخش کوسوو» دانسته و در مقابل خواستار خلع سلاح آن شد. دولت روسیه در رابطه با توافقی که در هفته آخر شهریورماه در پریشینا، پایتخت کوسوو بین رهبران «ارتش آزادی بخش کوسوو» و مقامات رسمی عالی رتبه غربی امضاء شد، گفت که این کشور «نمی تواند مسئولیتی در قبال عواقب بی نهایت منفی احتمالی این اقدام سیاسی غیرمعمول» قبول کند. ارتش آزادی بخش کوسوو عملاً با عدم رعایت مصوبه ناتو و سازمان ملل مبنی بر غیرنظامی کردن کوسوو و خلع سلاح عمومی که قرار بود تا ۲۸ شهریور پایان پذیرد، در انتها آنان را مجبور به قبول پوشش جدید خود کرد. یوگسلاوی طرح غرب برای ارتش آزادی بخش کوسوو را که برای سال ها به اذیت و آزار مردم کوسوو مشغول بوده است، شدیداً محکوم کرده و اعلام کرده است که این امر به فرار تعداد بیشتری از صربها و کولی ها از این ایالت ویران شده منجر خواهد شد.

بازی های امپریالیستی

حیدر علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان، در ملاقات خود با ویلیام تایلور، نماینده رسمی وزارت خارجه آمریکا، اظهار داشت که او هیچ فایده بی برای شرکت در اجلاس روسای جمهوری کشورهای قفقاز جنوبی نمی بیند. اجلاس مزبور قرار است در روزهای ۱۸ و ۱۹ مهرماه در تفلیس، پایتخت گرجستان، تشکیل شود. علی اف متذکر شد که، تا زمانی که راه حلی سیاسی برای «درگیری نظامی» میان دو کشور پیدا نشده است، هیچ گونه همکاری میان آذربایجان و ارمنستان ممکن نخواهد بود. اجلاس تفلیس به ابتکار مادلین آلبرایت، وزیر خارجه ایالات متحده، برگزار می شود، و قرار است بر همکاری های منطقه ای در رابطه با عرصه های انرژی، اکولوژی و حمل و نقل عطف توجه کند.

از سوی دیگر لرد راسل جانسون که رئیس مجمع پارلمانی شورای اروپا است در دیدار خود از بیرون اظهار امیدواری کرد که ارمنستان در سال ۲۰۰۰ میلادی به عضویت کامل شورای اروپا قبول شود. او ضمن اظهار رضایت خود از اصلاحات حقوقی و نحوه برگزاری انتخابات در ارمنستان اضافه کرد که عدم پیشرفت در حل درگیری های قره باغ نباید اثر منفی ای بر روی قبول ارمنستان به شورای اروپا داشته باشد. او با اظهار اینکه ارمنستان و آذربایجان «دو قلو های سیامی نیستند» امکان قبول ارمنستان به شورای اروپا را در حالیکه آذربایجان در خارج از آن باقی بماند، مطرح کرد. شورای اروپا در سال ۱۹۹۶ به سه کشور گرجستان - ارمنستان و آذربایجان مقام «میهمانان ویژه» را اعطاء کرد. گرجستان در سال اخیر به عضویت کامل شورای اروپا قبول شد.

اسرائیل در کنفرانس امنیت در آسیا

وزرای خارجه ۱۶ کشور منطقه (افغانستان، آذربایجان، چین، مصر، هند، ایران، اسرائیل، قزاقستان، قرقیزستان، مغولستان، فلسطین، پاکستان، روسیه، تاجیکستان، ترکیه و ازبکستان) در یک کنفرانس در آلماتا، پایتخت قزاقستان، بیانیه مشترکی را در مورد اصول روابط متقابل امضاء کردند. ۱۰ کشور دیگر به عنوان ناظر در کنفرانس شرکت کردند. رئیس جمهوری قزاقستان، نورسلطان نازر بایف، به شرکت کنندگان گفت که، مسئله تضمین امنیت منطقه ای از آنجائی که این منطقه در بر دارنده دو سوم جمعیت جهان و ۵۵ درصد تولید ناخالص ملی جهانی است، برای کشورهای آسیایی اهمیت ویژه ای دارد. وزیر خارجه روسیه، ایگور ایوایف خاطر نشان کرد که امنیت در آسیا یکی از گفتمان های کلیدی سیاست خارجی روسیه است. کنفرانس قرار است

نگاهی به بحران داغستان

اشاره به این نکته ضروری است که، داغستان و چین محل عبور شاه لوله نفت و گاز اتحاد شوروی سابق و روسیه کنونی اند. این راه از جمله رقبای چند مسیر دیگر برای انتقال نفت و گاز قفقاز به جهان خارج است و برای روسیه اهمیت کلیدی دارد. یکی از اهداف بحران داغستان، ناامن جلوه دادن این منطقه است. آمریکا و برخی انحصارات بزرگ مانند یونیکال، سرمایه گذاری هنگفتی را برای مسیر انتقال شاه لوله ها از طریق افغانستان و پاکستان انجام داده اند و به همین سبب در بحران داغستان دارای منافع بوده و در تشدید آن نقش مستقیم دارند. اندکی پیش از شروع درگیری های مسلحانه خونین در داغستان، یک هیئت بلندپایه از ایالات متحده آمریکا به ریاست بیل ریچاردسون، وزیر انرژی آن کشور، سفری هفت روزه را به منطقه انجام داد. علاوه بر وزیر انرژی، رئیس موسسه تجارت و توسعه آمریکا و نیز نماینده ویژه رئیس جمهوری آمریکا در امور انرژی دریای خزر، در ترکیب هیأت دیده می شدند، که حاکی از اهمیت سفر مزبور بود. این هیأت طی یک هفته از باکو، تفلیس، عشق آباد و آنکارا بازدید کرد، و با مقامات بلندپایه این کشورها ساعت ها به گفتگو نشست. محور اصلی تمامی گفتگوها عبارت بود از چگونگی اجرای سیاست انرژی آمریکا در منطقه خزر و آسیای میانه. هم زمان با سفر هیأت بلندپایه آمریکایی، و تشدید درگیری های نظامی در داغستان و بروز تنش های خطرناک در قره چای و چرکسیا، مجلس گرجستان به طور هماهنگ از اعضاء توافق نامه ابقاء پایگاه های نظامی روسیه در گرجستان امتناع ورزید. متعاقب آن، قرار ملاقات رسمی شوارتسنادزه و کلینتون در رسانه های جهانی بازتاب یافت. تقارن بحران داغستان، تنش و ناآرامی در جمهوری های جنوبی فدراسیون روسیه و سفر هیأت آمریکایی، و اوج گیری حملات نظامی نیروهای طالبان به مناطق شمالی این کشور تصادفی نمی تواند باشد. پاکستان نقش آفرین اصلی صحنه افغانستان است. کوشش این کشور از طریق عواملان جنایتکار خود یعنی دارو دسته طالبان برای تصرف و اشغال باقی مانده خاک افغانستان، با هدف ایجاد امنیت، برای احداث شاه لوله های نفت و گاز به سمت بندر کراچی صورت می گیرد. تمامی آنچه اشاره شد، موبد این واقعیت است که، کلیه رخ دادهای فوق بسان حلقه های زنجیری به هم پیوسته اند. زنجیری که عبارت است از طرح و توطئه امپریالیسم جهانی در منطقه با هدف تحکیم موقعیتش در منطقه. حلقه های زنجیر توطئه در همین جا خاتمه نمی یابد. درست هم راه و هماهنگ با تنش در جمهوری های قفقاز شمالی، و رویدادهای افغانستان و ترکیه، آسیای میانه نیز دستخوش بحران و ناآرامی شد. شورش مسلحانه باندهای افراطی مذهبی در استان اوش، در جنوب قرقیزستان تنش خطرناکی را پدید آورد. حساسیت این منطقه از آنجاست که نقطه اتصال بین روسیه، آسیای میانه و چین است. در شورش استان اوش قرقیزستان باندهای مسلح راه های ارتباطی را قطع، و چهار روستا را تصرف کرده و ۱۴ نفر از جمله چهار کارشناس ژاپنی را به گروگان گرفتند. این شورش موجب ایجاد بی ثباتی ژرفی در منطقه گردید. تقارن اوج گیری این بحران با ملاقات زبان زمین و معاون نخست وزیر روسیه، نشانگر ابعاد فرامرزی توطئه اخیر است. طی این ملاقات

ادامه در صفحه ۲

درگیری های نظامی اخیر در داغستان و وقوع هم زمان یک سلسله تنش های خطرناک در جمهوری های دیگر فدراسیون روسیه، منطقه استراتژیک آسیای میانه، قفقاز و نیز فدراسیون روسیه را با بحرانی ژرف و پدیده روبرو ساخته است. ابعاد و پیامدهای این تحولات، به لحاظ اهمیت فوق العاده منطقه بسیار فراتر از یک برخورد محدود منطقه ای است. برخلاف تبلیغات رسانه های امپریالیستی، بحران داغستان و تنش های شدید در جمهوری های قفقاز شمالی مانند، چین، اینگوشو قره چای و چرکسیا، به هیچ رو صرفاً جنبه مذهبی، ملی و قومی نداشته و ندارد، بلکه زمینه های آن را در چارچوبی گسترده تر یعنی در بطن تحولات مهم و حساس آسیای میانه، حوزه دریای خزر، قفقاز و بویژه روسیه باید مورد توجه و ارزیابی قرار داد. توجه موشکافانه و دقیق به ماهیت و نیز پیوستگی، رویدادهای چندماهه اخیر در مناطق نامبرده و تأثیر متقابل این رشته رخدادهای، پرده از روی بسیاری از مسائل برمی افکند، و نقش قدرت های جهانی و منطقه ای و منافع آنها را در ایجاد و توسعه بحران مورد اشاره، آشکار می سازد.

در حالی که دو هفته بیشتر از خبر پایان جنگ در داغستان توسط وزارت دفاع روسیه نگذشته بود، خبرگزاری های جهان اعلام داشتند که، باندهای شورشی بار دیگر از مرزهای جمهوری چین عبور کرده و دو دهکده در داخل خاک داغستان را به تصرف خود درآورده اند. جریانات و باندهای مسلحی که در داغستان با پول و امکانات خارجی، به بهانه استقلال و زیر پرچم مذهب، سر به طغیان و راهزنی برداشته اند، نیروی ناشناخته ای نیستند. باندهای مسلح به رهبری شامیل باسایف به شورای اسلامی وابسته اند، برخی از فرماندهان ارشد این باندها از اتباع کشورهای عربی نظیر عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن و الجزایر اند و عده بی دیگر نیز پاکستانی اند. همگی آنان آموزش های نظامی و تروریستی را تحت نظارت سازمان سیا، در جریان جنگ افغانستان، گذرانده اند. به عنوان نمونه، فرمانده ارتش اسلامی داغستان، یک شهروند عرب و اردن الاصل به نام خطاب، وی تحصیل کرده آمریکا و از چهره های مشهور گروه های تروریستی در جنگ افغانستان محسوب می شود، و ارتباط نزدیک با طالبان و بن لادن و نیز سرویس امنیتی ارتش پاکستان دارد. وزارت کشور روسیه هنگام آغاز بحران داغستان در اواسط مردادماه، رسماً اعلام داشت که، افرادی از پاکستان، عربستان و امارات متحده عربی و تعدادی از نیروهای طالبان، در داغستان حضور مسلحانه دارند.

ولادیمیر دوشایلو، وزیر کشور روسیه، تأکید کرد: «مناقشه داغستان ربطی به مذهب و ویژگی های ملی ندارد. شورشیان مسلح از حمایت نیروهای خارجی برخوردارند.» هم زمان با تشدید برخوردهای مسلحانه در داغستان، ناآرامی ها و زدوخوردهای شدیدی در جمهوری خودمختار قره چای و چرکسیا رخ داد. ناآرامی به حدی گسترده بود که این جمهوری کوچک با ۱۴ هزار کیلومتر مربع مساحت در داخل فدراسیون روسیه، عملاً به حالت تعطیل درآمد. در پی این ناآرامی ها، روسلان اوچف، رئیس جمهوری خودمختار اینگوش، هشدار داد که درگیری های داغستان ممکن است به سایر مناطق سرایت کند و کلیه جمهوری های قفقاز شمالی را در یک جنگ برادر کشی غرق سازد. برپایه آمار منتشره، در سال های پس از سقوط سوسیالیسم در اتحاد شوروی، نزدیک به هشتاد درصد مردم در جمهوری های قفقاز شمالی، با تنوع قومی گسترده بیکارند و رکود اقتصادی، منطقه را فلج ساخته است.

این جمهوری های کوچک مانند داغستان، چین، اینگوشو قره چای، چرکسیا و غیره در دوران اتحاد شوروی، از سامان اقتصادی برخوردار بودند. کالاهای و به طور کلی تولیدات این جمهوری های کوچک، در روسیه و آذربایجان و گرجستان به بازار عرضه می شد. با فروپاشی اتحاد شوروی، پیوندهای اقتصادی این جمهوری ها با دیگر مناطق قطع شد. بازار جمهوری آذربایجان و گرجستان تحت نفوذ و سلطه آمریکا و اروپا و ترکیه قرار گرفت، و عرصه ای برای این مناطق و جمهوری های خودمختار باقی نماند. فقر، بیکاری و از هم گسیختگی رشته پیوندهای سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سبب گردیده که، اندیشه های واپس مانده، قرون وسطایی و خرافاتی و نیز تمایلات افراطی قومی رشد کنند، و همین امر دستاویز لازم را به امپریالیسم برای مداخله در امور داخلی این مناطق و ایجاد تحریک و اغتشاش و برخوردهای مسلحانه، فراهم آورده است.

کمک های مالی رسیده

۱۱۰ مارک

به مناسبت سالگرد حزب از فرانکفورت

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:567

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

28 September 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.	نام
790020580	شماره حساب
10050000	کد بانک
Berliner Sparkasse	بانک



مجلس خبرگان و نگرانی از اوضاع کشور

تلاشی مرتجعان حاکم طرفدار ذوب در ولایت، برای مقابله با جنبش مردمی که از مدتی پیش بر شدت آن افزوده شده است، با توقیف همیشگی روزنامه نشاط و محکومیت یکی از گردانندگان آن به دو سال وثیم حبس رویدادی نبود که قابل پیش بینی نباشد. اطلاعات بین المللی ۲۹ شهریور به نقل از روزنامه صبح روزمی نویسد: «مجموعه ای از وقایع زنجیره وار که طی دو هفته اخیر اتفاق افتاده اند آشکار با یکدیگر تناسب و همسویی دارند که دیگری نمی توان از اتفاقی بودن همزمانی و همسویی آنها سخن گفت. دفاع شدید از خشونت با استفاده از تریبون عمومی، حملات شدید به مطبوعات و تکرار دین زدا و ایمان شکن بودن آنها، مواضع جناحی و شدیداً جهت دار مسئولین قضایی و صدور احکام غلاظ و شداد علیه متهمین در رسانه های گروهی، تلاش برای ایجاد جنجال پیرامون نامه ادعایی کلینتون و ایجاد هیجان در مورد لزوم برخورد با تهدیدهای فرضی مندرج در آن، سخنان مطرح شده در اجلاس خبرگان و بیانیه پایانی این اجلاس در مورد خطر مطبوعات، تماس مکرر مستقیم با مراجع تقلید و تلاش برای ایجاد وحشت و نگرانی در ایشان نسبت به نقش مطبوعات، خطبه های کاملاً یکسان و طراحی شده برخی از نمازهای جمعه بر علیه مطبوعات و تهدید به اعمال شدیدترین اشکال خشونت بر علیه منتقدان، فشار شدید بر وزارت ارشاد و تلاش برای وادار کردن این وزارتخانه به عقب نشینی از مواضع خود در مورد مطبوعات، اقدام به توقیف غیر قانونی روزنامه نشاط و قوت گرفتن شایعه تاکید بر بسته شدن این روزنامه، و... همگی حکایت از زمینه سازی برای اقدام علیه مطبوعات می نماید.»

صبح امروز گرچه چنین اقدامات ضد مردمی را به طیف ماجراجوی جبهه اقتدارگرا ارتباط می دهد و نتیجه می گیرد که وقایع اخیر علامت طوفانی است بر ضد مطبوعات و اصلاحات، اما نگاهی به اساسی، ارگان ها و سازمان های ذکر شده در بالا به خوبی همسویی و پیوند تنگاتنگ آنها را نه با طیفی از مرتجعان، که دقیقاً با ریشه ارتجاع و سرکوب یعنی ولایت فقیه به خوبی نشان میدهد.

شورای نگهبان و انتخابات

در پی مصوبه مجلس ضد مردمی رژیم اسلامی مبنی بر اختیار دادن به شورای نگهبان رژیم ولایت فقیه برای تملیق فرمانداران در جریان انتخابات، روزنامه «آزاد» طی مقاله ای در اطلاعات بین المللی ۳۰ شهریور می نویسد: «شواهد نشان می دهد که با وجود همه تحولات

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

«...انقلاب اجتماعی، که وسیع ترین اقشار مردم و توده های کار و زحمت را در بر می گیرد، نمی تواند ثمره خواست و اراده یک فرد و یا یک گروه باشد. انقلاب، مولود وضع انقلابی و نیازمند وجود عوامل مساعد عینی و ذهنی در جامعه است.»

امروز در ایران، به دلیل سیاست ها و عملکرد های ضد مردمی رژیم، رشد و تمیق همه جانبه بحران اقتصادی - اجتماعی، که تمامی حیات جامعه را فرا گرفته است، و میلیون ها انسان را به شکل بی سابقه ای به ورطه فقر، محرومیت و زندگی در شرایط بسیار دهشتناک کشانده است، مدت هاست که این شرایط عینی مساعد به وجود آمده است. عاملی که در اوضاع حاضر کمبود آن به شدت احساس می شود، عامل ذهنی، یعنی تشکل، سیاست صحیح و عملکرد درست و پیگیر نیروهای راستین مدافع منافع مردم و توده های زحمتکش است، تا بتواند مرکز مشخص مبارزه در مقابل رژیم استبداد را، دایر کند.»

از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب



ضمیمه ۵۶۷، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۱۳ مهرماه ۱۳۷۸

تشدید برخورد میان جناح ها بر سر انتخابات مجلس شورای اسلامی

عدم امکان اجرای قانون جدید است. لازم به تذکر است که طرفداران دولت در مجلس تلاش کرده بودند ضمن قبول نظارت استصوابی شورای نگهبان حداقل این امتیاز را از جناح مقابل بگیرند که شورای نگهبان در صورت رد صلاحیت نامزدی دلایل آن را اعلام کند. این امتیاز که به نظر می رسید در رایزنی های صورت گرفته بین دو جناح مورد قبول واقع شده بود نیز در آخرین مراحل در «طرح اصلاح قانون انتخابات» گنجانده نشد و به گفته برخی از نمایندگان مجلس مدافع دولت: جناح راست در این زمینه به قول های خود عمل نکرد.

خامنه ای نیز در هفته های قبل ضمن دفاع سرسختانه از شورای نگهبان، به عنوان یکی از پایه های اساسی «نظام»، نقش این نهاد ضد مردمی و ضد ارتجاعی را ستود و از آن به عنوان سدی برای جلوگیری از نفوذ و توطئه دشمنان نام برد. از هم اکنون روشن است که اگر انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی با نظارت استصوابی شورای نگهبان برگزار شود، همانند انتخابات مجلس خبرگان، نه تنها نامزدهای مستقل شانس شرکت در انتخابات را نخواهند داشت بلکه شمار زیادی از طرفداران دولت خاتمی نیز از این حق محروم خواهند شد. سوال مشخص در این زمینه این است که وظیفه نیروهای مردمی و آزادی خواه در چنین شرایطی چیست. تجربه برگزاری انتخابات شوراهای نشان داد که حاکمیت ارتجاع تنها زیر فشار شدید توده های مردم است که

با نزدیک تر شدن موعد برگزاری ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، برخورد میان گروه های مختلف حاکمیت و همچنین جنبش مردمی تشدید می شود. برگزاری انتخابات شوراهای بدون دخالت همه جانبه شورای نگهبان و شکست سهمگین نمایندگان وابسته به جناح «ذوب در ولایت»، جای شک برای کسی باقی نگذاشت که اگر مردم بتوانند آزادانه در انتخابات شرکت کنند و نامزدهای انتخاباتی آن در غربال شورای نگهبان ننگه نشوند، آنوقت تقریباً جانی برای نمایندگان ذوب در ولایت فقیه باقی نمی ماند. هراس از چنین روندی و امکان خارج شدن کنترل مجلس شورا، از دست نمایندگان وابسته به ارتجاع و رژیم استبدادی، مجلس را بر آن داشت تا با استفاده از تمامی اهرم های «قانونی» جلوی تحقق چنین روندی را از هم اکنون بگیرد. تصویب لایحه انتخابات، با اصل «نظارت استصوابی» شورای نگهبان در تمامی مراحل از جمله آخرین اقدام های ارتجاعیون در این زمینه است. روزنامه «اخبار اقتصاد»، پنجشنبه ۸ مهرماه در این زمینه از جمله نوشت: «با وجود مخالفت دولت با اجرای طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس، دولت مکلف به اجرای قانون جدید انتخابات شد.» هدایت الله آقایی، معاون طرح و برنامه وزارت کشور، اعلام کرد که این مصوبه عملاً قابل اجراء نیست. به گفته او: «زمان طولانی برای تدوین و تصویب آیین نامه اجرایی قانون و لزوم تشکیل مجلس ششم در روز هفتم خرداد سال ۷۹ بر اساس قانون اساسی از جمله علل

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

ادامه تشدید...

عبرت آموز و شگفتی آور سال های اخیر، جناح راست یا دست کم اکثریت نمایندگان مجلس متعلق به این جناح، از سیر حوادث هیچ پند نگرفته و همچنان به پیمودن کوره راهی ادامه می دهند. مجاز شمردن دخالت شورای نگهبان به تعلیق فرمانداران کشور، گرچه - شاید برای نخستین بار حد اقل به آشکارترین شکل دخالتی آشکار از سوی قوه مقننه در جزئیات مدیریت کشور را رومی دارد و به شورای نگهبان جایگاهی همچون کلیسا در قرون وسطی می بخشد، اما شواهد نشان دهنده عدم انعطاف جریان راست و عزم جزم این جناح در تحکیم انحصار خود به قدرت نیز هست. از این لحاظ، پیش بینی رویدادهای کشور در ماههای پیش از برگزاری انتخابات مجلس ششم سمت و سوی حوادث در ۴ ماه احتمالا پس توفانی پیش رو، دشوارتر از گذشته می شود و افق برگزاری یک انتخابات آزاد با قابلیت حق تعیین نمایندگان مورد علاقه ملت، هر چه بیشتر به تیرگی می گراید.

• روزنامه «آزاد» با اشاره به سخنان ناطق نوری رئیس مجلس رژیم اسلامی که در دیدار با رئیس جمهور اتریش از امپریالیسم خبری حاکم بر غرب به شدت انتقاد و رسانه های گروهی غرب را به واژگونه جلوه دادن واقمیت های ایران متهم کرده است، ضمن اشاره به اقدامات ضد مردمی ولی فقیه و طرفدارانش می نویسد: «در برابر همه انتقادهای به حتی که از روح حاکم بر تبلیغات ضد ایرانی غرب می توان کرد، جای این پرسش از «خودی» ها هست که آیا خبر صد و یک نفر به سبب وقایع کوی دانشگاه و اعلام آن در آستانه بازگشایی دانشگاه ها و سفر نخستین رئیس جمهور یک کشور غربی نیز ساخته و پرداخته امپریالیسم خبری است؟ آیا تشکیل کمیته قتل های محظی در عالی رتبه ترین سطوح امنیتی نظام و کشتار روشنفکران - بی هیچ گناهی - تنها زائیده ذهن بیمار دشمنان انقلاب و کشور است؟ آیا این رسانه های غربی هستند که به ارواح وابسته به خود دستور ضرب و شتم و بعضا ربودن جهانگردان خارجی را در مرکز تمدن ایران می دهند؟ آیا فرمان حمله به کوی دانشگاه و مبدل کردن آن به یک ویرانه تمام عیار در کمتر از ۳ ساعت، از سوی «قلم به داستان» غربی صادر شده است؟ آیا توقیف سه روزنامه کثیرالانتشار مورد علاقه مردم بی هیچ دلیل منطقی در کمتر از ۴ ماه کار عوامل رادیوهای بیگانه است؟ (اطلاعات بین المللی اول مهر)

همزمان با هجوم نیروهای طرفدار ولایت فقیه به مطبوعات و موضع گیری های مردمی آنها، مکارم شیرازی در یک سخنرانی سرپا کینه نسبت به جنبش مردمی و بازوی توانمند آن یعنی مطبوعات، دوج مقاله ای در نشریه دانشجویی «موج» را بهانه قرار داد و اظهار داشت: «در این جریان که اخیرا واقع شد، حمله به یکی از مقدس ترین عقاید اسلامی شده و احساسات دینی همه را بدون استثنا جریحه دار کرده است.» مکارم شیرازی ضمن مورد خطاب قراردادن «مردم» و حوزویان، دست اندرکاران مطبوعات را نیز مورد خطاب قرار داد و گفت: «مطبوعات با هدف و متولیان مطبوعاتی باید توجه داشته باشند ما در شرایطی زندگی می کنیم که چهار خط یک روزنامه ممکن است آرامش مملکت را به هم بریزد (بخوان آرامش ولایت فقیه)، این که ما هر روز امتیاز روزنامه بدهیم، افتخار نیست در هیچ کاری کمیت مهم نیست کیفیت مهم است، چطور در مورد کنترل موالید می گوئید فرزند کمتر زندگی بهتر، در مورد مطبوعات هم مطبوعات کمتر و آبرومندتر و در سطح بالاتر و بالاتر و حساب شده تر مطلوب است. من به متولیان مطبوعاتی گفتم که این آزادی بی حساب و کتاب، کار داستان خواهد داد و می بینیم داده و می دهد. قلم بدستان محترم و متولیان مطبوعات باید بدانند کجا زندگی می کنند.»

آزادی، مطبوعات و رابطه آن با کنترل جمعیت!

همزمان با هجوم نیروهای طرفدار ولایت فقیه به مطبوعات و موضع گیری های مردمی آنها، مکارم شیرازی در یک سخنرانی سرپا کینه نسبت به جنبش مردمی و بازوی توانمند آن یعنی مطبوعات، دوج مقاله ای در نشریه دانشجویی «موج» را بهانه قرار داد و اظهار داشت: «در این جریان که اخیرا واقع شد، حمله به یکی از مقدس ترین عقاید اسلامی شده و احساسات دینی همه را بدون استثنا جریحه دار کرده است.» مکارم شیرازی ضمن مورد خطاب قراردادن «مردم» و حوزویان، دست اندرکاران مطبوعات را نیز مورد خطاب قرار داد و گفت: «مطبوعات با هدف و متولیان مطبوعاتی باید توجه داشته باشند ما در شرایطی زندگی می کنیم که چهار خط یک روزنامه ممکن است آرامش مملکت را به هم بریزد (بخوان آرامش ولایت فقیه)، این که ما هر روز امتیاز روزنامه بدهیم، افتخار نیست در هیچ کاری کمیت مهم نیست کیفیت مهم است، چطور در مورد کنترل موالید می گوئید فرزند کمتر زندگی بهتر، در مورد مطبوعات هم مطبوعات کمتر و آبرومندتر و در سطح بالاتر و بالاتر و حساب شده تر مطلوب است. من به متولیان مطبوعاتی گفتم که این آزادی بی حساب و کتاب، کار داستان خواهد داد و می بینیم داده و می دهد. قلم بدستان محترم و متولیان مطبوعات باید بدانند کجا زندگی می کنند.»

راه مقابله با توقیف مطبوعات

اطلاعات بین المللی، سه شنبه ۶ مهرماه، مطلب جالبی از روزنامه همشهری نقل کرده است که در آن با اشاره به توقیف مکرر روزنامه و اینکه اعتراضات موجود باعث این نگرندیده تا از روند توقیف روزنامه ها توسط نهادهای تصمیم گیرنده جلوگیری شود، خواستار اقدام دیگری می باشد. «همشهری» می نویسد: «هرگاه نشریه ای از سوی دادگاه مطبوعات و سایر نهادها توقیف و یا لغو امتیاز می شود، روزنامه نگاران و حقوق دانان به تکاپو می افتند و از طریق نوشتن مقاله یا انجام مصاحبه و نیز ارائه دلایل حقوقی یا سیاسی اثبات می کنند که حکم دادگاه بی پایه و اساس و غیر قانونی است. اما این رویه تاکنون نهادهای تصمیم گیرنده را از ادامه توقیف و لغو امتیاز نشریات باز نداشته و امید هم نمی رود که در آینده باز دارد. بدین ترتیب روزنامه نگاران و حقوق دانان، در برابر هر توقیف جدید، مجبور به تکرار استدلال های گذشته خود هستند و این تکرار از آنجا که بر نهادهای تصمیم گیرنده بی تاثیر است و احیانا تاثیر عکس می گذارد و در عین حال، برای خوانندگان روزنامه ها نیز حرف و سخن تازه ای در بر ندارد، بسیار ملال آور شده است. برای گریز از تکرار کسالت بار قاعدتا باید چاره ای اندیشید، اما چه چاره ای؟ برای شکستن این بن بست، چاره ای جز فعال کردن منزها برای گشودن راه تازه ای نیست، راهی که از یک سو به بروز خشونت منجر نشود و از دیگر سو، تاثیر گذار نیز باشد.»

رژیم ولایت فقیه ناتوان در برابر جوانان

عضیان جوانان برضد رژیمی که با تمام توان سعی داشت، این نیروی عظیم و پرشور را زیر کنترل خود داشته باشد، با شکست کامل مواجه شده است. معضل کنونی برای رژیم ولایت فقیه این است که با این خیل عظیم چگونه مقابله کند. هر چند سعی بسیار می شود تا اینطور وانمود شود که جوانان کشور همراه و همگام با ولایت فقیه هستند مندرجات روزنامه های «خودی» هم از پنهان کردن این حقیقت عاجز هستند و به مسئله جوانان بیست سال بعد از انقلاب پا دید دیگری می نگرند. اطلاعات بین المللی ۷ مهرماه به نقل از «کاروکارگر» در مورد هیاهوی مرتجعان ذوب در ولایت راجع به چاپ مقاله ای در نشریه دانشجویی «موج» می نویسد: «برخی گزارش ها نشان می دهد که نویسنده مطلب، به گروه های الحادی و ضد انقلاب وابستگی نداشته و از جمله نسلی است که پس از انقلاب رشد کرده است و ظاهری مذهبی داشته. بنابراین علاقه و تحقیق واقعی و عینی نه یک ضرورت اجتماعی بلکه یک تکلیف دینی و ملی نیز هست. به اعتقاد نگارنده، موضوع بسیار عمیق تر و فراتر از اینهاست و آن نارسایی، ناآگاهی و عدم تمیق باورهای دینی نسل جوان امروزی است و به قطع و یقین سوالات و شبهات بسیار زیادی ممکن است در اذهان نویسنده مطلب موج و بسیاری دیگر از جوانان امروز وجود داشته باشد. واکنش هایی از آن دست که امروز، معمول شده، مبارزه با معلول است و گرچه نتایج کوتاه مدتی هم ممکن است داشته باشد لیکن به هیچ وجه به عمق و ریشه مساله یا مسایل توجه ندارد و راه کار اصولی نمی باشد.»

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UKSupplement to Nameh Mardom-NO 567
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

4 October 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse